

استراتژیهای توسعه روستایی در دنیای در حال توسعه

مورد مطالعاتی: چین

دکتر پردخت فشارکی

استاد دانشگاه تربیت معلم

چکیده

این مقاله دارای دو هدف اساسی است:

- ۱- بررسی و ارزیابی استراتژیهای عمده توسعه روستایی که در دنیای در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفته است
- ۲- ارائه یک الگوی بالنسبه موفق توسعه روستایی که در چین (مورد مطالعاتی این مقاله) جستجو شده است. انواع عمده توسعه روستایی "و راه جلهای پیشبرد توسعه روستایی" به ترتیب در نگاره (۱) و (۵) به نمایش گذارده شده است.

اهمیت افزایشهای بازدهی در ازدیاد تولید کشاورزی جهان سوم در نگاره (۲) نشان داده شده است. از افزایشهای باروری در کشاورزی آسیایی معمولاً تحت عنوان "انقلاب سبز" نام برده می‌شود. معانی وابسته به اصطلاح انقلاب سبز، استراتژی این انقلاب و جنبه‌های مثبت و منفی آن به بحث گذاشته شده و در موارد ضرورت تحولات مربوطه تا دهه ۶۰-۱۹۵۰ دنبال شده است.

چین بویژه در مرکز توجه بوده است. جایی که روشهای بسیارمختلفی

برای توسعه روستایی مورد آزمایش قرار گرفته است. (نگاره (۵))

این کشور مراحل مختلفی از توسعه روستایی را پشت سر نهاده است که می‌توان آن را چنین خلاصه کرد:

- ۱- اصلاحات ارضی
- ۲- سیستم کشاورزی اشتراکی
- ۳- انحلال سیستم کشاورزی اشتراکی
- ۴- یک اقتصاد دهقانی جدید

مقدمه

تعاریفی از رشد^(۱) و توسعه^(۲)

اگر چه واژه‌های رشد و توسعه در نشریات و محافل گوناگون تعریف شده و معانی و مفاهیم آنها از یکدیگر تفکیک شده است، ولی به لحاظ اینکه هنوز تعاریف ناصحیح و مخدوشی از این دو واژه به چشم می‌خورد نگارنده لازم دانست قبل از ورود به مطلب تعاریفی از این دو اصطلاح ارائه دهد به گونه‌ای که جای هیچگونه تردید برای تفکیک این دو اصطلاح باقی

نماند. رشد مفهوم یک بعدی دارد و منظور از آن ازدیاد کمی ثروت در جامعه است و معمولاً با شاخصهایی نظیر درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود. اما توسعه علاوه بر ازدیاد کمی ثروت در جامعه از تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز حکایت می‌کند.

براکنیلد^(۳۲) در تعریف توسعه می‌گوید: فرایند عمومی موجود در این زمینه این است که توسعه را برحسب اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم.^(۳۳)

به طور کلی توسعه چیرانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد شامل دگرگونی اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی - اداری و همچنین ایستادها و وجهه‌نظرهای عمومی مردم است. توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می‌گیرد.^(۳۴)

به اعتقاد وی توسعه به معنی کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظامی اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری می‌تواند باشد.

طبیعت توسعه روستایی

بنابر بانک جهانی (۱۹۷۵) توسعه روستایی یک استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروهی از مردم - مردم فقیر روستایی طرح ریزی شده است. آن شامل گسترش دادن منافع توسعه به فقیرترین قشر در میان آنهایی است که در جستجوی معیشتی در نواحی روستایی هستند. گروه مربوطه زارعان کوچک مقیاس، مستأجران و افراد بدون زمین را دربر می‌گیرد. این تعریف روشنی را که در آن نظریه‌های توسعه از اوایل دهه ۱۹۷۰ تغییر و تحول یافته‌اند منعکس می‌کند. انتظار می‌رفت قشر فقیر از نظریه "رخنه کردن به پایین" (۶) منافع حاصله از رشد سریع سرجمع بهره ببرد. ولی، در اواخر دهه ۱۹۶۰ به این واقعیت رسیدند که منافع رشد سریع نه فقط بیش از حد زمان می‌طلبید تا به قشر فقیر برسد، بلکه به بیشتر آنها نمی‌رسید. در نتیجه اثر رشد سریع یک شکاف وسیع بین دارندگان و ندادگان بود.

نتیجتاً نیاز برای کم کردن فقر و نابرابریها در برنامه‌های ملی و بین‌المللی وارد شد. طی اوایل دهه ۱۹۷۰ چنین اصطلاحاتی مانند "توزیع مجدد همراه با رشد"^(۳۵) (منظور توزیع مجدد ثروت یا سرمایه است) یا "رشد همراه با عدالت"^(۳۶) پدید آمد. ضمن اینکه این یک تغییر و تحول مهمی بود. این امر همچنین مصداق دارد که اکثر سیاستهای ملی و بین‌المللی حق تقدم را به مقوله بالابردن باروری (استعداد تولیدی) داده‌اند. "توزیع مجدد مورد نظر از منابع و درآمدهای جدید بوده است و نه از منابع و درآمدهای قدیم. به عبارت دیگر، ساختارهایی که در وراه توزیع غیرمنصفانه قدرت و ثروت قرار دارد دست نخورده باقی مانده است.

ولی، قابل انکار نیست که توجه خاص به قشر فقیر آغاز شده است. در بسیاری از مثالها این امر شامل پیش بردن برنامه‌های موجود در نواحی

دورافتاده و گروههای فقیرتر بوده است. در جای دیگر طرحهای بخصوصی برای قشر فقیر ریخته شده است که شامل برنامه‌هایی برای نیازهای اساسی زارعان کوچک، زارعان کم درآمد^(۳۷) و کارگران بدون زمین است. اگر چه ابراز نگرانی شده است که عملاً بسیاری از این طرح‌ها به نفع قشر کمتر فقیر یا حتی آنهایی که به طور نسبی در شرایط خوبی هستند تمام می‌شود.

همچنین از اوایل دهه ۱۹۷۰ تغییر و تحولی پدید آمده و توسعه روستایی به طور وسیع‌تر و جامع‌تری بنیان‌گذاری شده است. برنامه‌ها با محدودیت کمتری روی کشاورزی یا تک جنبه‌های دیگر زندگی روستایی متمرکز شده‌اند. این تغییر و تحول تا اندازه‌ای پیچیدگی فقر روستایی را به رسمیت می‌شناسد و سبب به وجود آمدن اصطلاح "توسعه روستایی کامل"^(۳۸) شده است. باز بنابر پاره‌ای انتقادات وارده، چنین بحث شده است که ضمن اینکه موفقیت‌های قابل توجهی دست داده است این برنامه‌ها غالباً بیشتر اسماً کامل بوده‌اند تا در عمل.

استراتژی‌های توسعه روستایی

استراتژی‌های توسعه روستایی را می‌توان تحت سه عنوان بسیار کلی گروه بندی کرد (نگاره ۱۱). بیشتر کشورهای جهان سوم سیاستهایی را پذیرفته‌اند که دارای یک عنصر تکنوکراتیک^(۳۹) قوی است. در این راستا هدفی که در مرکز توجه قرار دارد افزایش دادن باروری است، به ویژه در کشاورزی و این ماهیت انقلاب سبز^(۴۰) است که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد. چنین روشی ساختارهایی را که نابرابری در درآمدها و دسترسی به منابع را حفظ می‌کند در جای خود باقی می‌گذارد.

در نتیجه به ویژه در مراحل اولیه، چنین سیاستهایی تمایل دارند به زارعان ثروتمندتر منفعت برسانند. این روش در زمینه‌های زیرگاهی مجاز شناخته شده است: اول، به خاطر به حد اکثر رساندن رشد کشاورزی، و دوم، به واسطه اینکه توزیع مجدد منابع قاعدتاً بر هزینه و از نظر سیاسی غیر قابل قبول است.

استراتژی‌های بنیادی متکی به تحول اساسی است که کاپیتالیسم^(۴۱) وارد کرده و سعی در ساختن شکلی از سوسیالیسم^(۴۲) دارد. این بر خورد انقلابی مبتنی بر قبول علل ساختاری فقر است. بنابراین مرحله اول در حذف فقر باید بر طرف ساختن فرایندهایی باشد که آن را تداوم می‌بخشند. در راههای اخیر توجه زیادی روی برنامه‌های توسعه روستایی کشورهای "سوسیالیست" متمرکز شده است که چنین و کوباجالب توجه‌ترین آنها هستند.

روشهای رفرمیست (اصلاح طلب) اساساً تعدیلی بین انواع تکنوکراتیک و رادیکال و مبتنی برایدئولوژی ناسیونالیستی هستند. چنین سیاستهای اشکالی مختلفی به خود می‌گیرند مادر ماهیت، شامل کوشش‌هایی برای توزیع مجدد قدرت، درآمد و دسترسی به منابع می‌باشند. در این روشها عملاً ساختارهای اساسی عمدتاً دست نخورده باقی مانده‌اند.

نگارنده در ابتدا قصد داشت استراتژی اسلامی توسعه و گروه کشورهای اسلامی را نیز در نگاره (۱) درج کند ولی بنابر دلایلی چند به این کار مبادرت نمود:

نگاره (۱): انواع عمده توسعه روستایی

کشورهای نماینده	ایدئولوژی	شکل غالب تصرف	استفاده کنندگان عمده	اهداف	استراتژی توسعه
فیلیپین، برزیل ساحل ایوری	کاپیتالیت	مزارع بزرگ خصوصی و متحد، مزارع بزرگ مقیاس تجارتنی ^۱ ، لنی فوندی ^۲ ، سیستم‌های مختلف اجاره داری	زمین داران ممتاز	افزایش محصول	تکنوکراتیک
مکزیک، مصر	ناسیونالیست	مزارع خانوادگی، تعاونیها	رعابای متوسط زارعان	توزیع مجدد درآمد (ثروت) افزایش محصول	رفرمیست ^۳
ویتنام، چین، کوبا، الجزایر	سوسیالیست	کولکتیوها ^۴ کمونها ^۵ مزارع دولتی	رعابای کوچک وکارگران بدون زمین	تحول اجتماعی، توزیع مجدد قدرت سیاسی ثروت و محصول	رادیکال ^۶

منبع: Griffen (1974:204)

1) Plantations 2) Latifundia 3) Reformist 4) Radical 5) Collectives 6) Communes

از افزایشهای باروری در کشاورزی آسیایی معمولاً تحت عنوان "انقلاب سبز" نام برده می‌شود.

نگاره (۲) سهم تغییرات در بازدهی و وسعت زیر کشت نسبت به افزایشهای محصول غله جهانی (درصد) ۱۹۸۰ - ۱۹۵۰

جهان	درحال توسعه	توسعه یافته	وسعت	بازدهی
۱۹۵۰-۱۹۶۰			-۲	۵۶
۱۹۶۰-۱۹۷۰			۱۰۲	۴۴
۱۹۷۰-۱۹۸۰			-۵	۱۲
۱۹۸۰-۱۹۹۰			۱۰۵	۸۸
۱۹۹۰-۲۰۰۰			۴۲	۲۵
۲۰۰۰-۲۰۱۰			۵۸	۷۵
۲۰۱۰-۲۰۲۰			۳	۱۵
۲۰۲۰-۲۰۳۰			۹۷	۸۵

منبع: Barr(1981-1087-95)

هر چند از انقلاب سبز استفاده وسیعی شده ولی مفهوم آن به روشنی درک نشده است. درحالی که اکثر مردم این اصطلاح را با معرفی "انواع پرحاصل محصولات غذایی معین"^(۱۵) (HYV) به ویژه گندم و برنج، متصل می‌کنند، طبیعت انقلاب سبز به مراتب پیچیده تر است. سه معنی متمایز را می‌توان با این اصطلاح وابسته دانست.

۱- عبور از موانع تغذیه، پرورش و تولید مثل گیاهی که دانه‌های غذایی

۱- استراتژیهای توسعه در کشورهای اسلامی از تجانس و اتحاد شکل لازم برخوردار نیست تا بتوان براین اساس گروه کشورهای اسلامی رابه نمایش گذاشت.

افزون براین، استراتژی توسعه در این کشورها، حداقل نابه این زمان، مکررمی‌تواند زیر پوشش یکی از استراتژیهای توسعه سه گانه مندرج در نگاره (۱) قرارگیرد.

۲- استراتژی توسعه در کشورهای اسلامی نوپا و در حال تکوین و شکل گیری است و به همین دلیل پرکردن ستونهای مختلف این نگاره، مثل ستون استفاده کنندگان عمده و شکل غالب تصرف، برای این کشورها امری دشوار و بدون شناخت دقیق و نمونه گیری صحیح از کل روستاها همراه با ضرایب بالای خطا و اشتباه است.

۳- به علت عدم تناسب و هماهنگی بین استراتژیهای توسعه غربی و اسلامی ارجح است. استراتژی توسعه اسلامی و شاخصهای آن راجدا گانه مورد بررسی قرار داد. توضیح اینکه استراتژیهای توسعه غربی دارای خصوصیت دنیوی (secular) و استراتژی توسعه اسلامی دارای کیفیت اخروی و معنوی است.

انقلاب سبز

اهمیت افزایشهای بازدهی در از دیاد تولید کشاورزی جهان سوم در نگاره (۲) نشان داده شده است. چنین افزایشهایی در آسیا و خاورمیانه از همه جا قاطع تر و در امریکای جنوبی و افریقا از همه جا کم اهمیت تر است. ولی مباحثات زیادی درباره وسعت و اهمیت این تغییرات وجود دارد. این مطلب به خوبی می‌تواند مصداق داشته باشد که درباره افزایش بازدهیها مبالغه شده است. بانک جهانی تخمین زده است که از سال ۱۹۶۰ افزایشهای بازدهی فقط بالغ بر ۳۰ درصد افزایش تولید در امریکای جنوبی و در واقع صفر درصد آن در افریقا بوده است.

پرحاصلی را تولید کرد.

۲- مجموعه‌ای از تکنولوژی (بسته بندی تکنولوژی) که شامل کود، داروهای دفع حشرات، ابزار و وسایل، کنترل آب و بذرها انواع پرحاصل محصولات غذایی معین (HYV) می‌شود.

۳- یک استراتژی توسعه کشاورزی که در آن کاربرد تکنولوژی برای کشاورزی جهان سوم در مرکز مسئله افزایش تولید غذایی قرار دارد.

در بیشتر مثالها بلافاصله روشن نیست که کدام ترکیب یا چه ترکیبی از معانی یا اصطلاح مربوطه (انقلاب سبز) وابسته است. ولی، برای بیشتر طرفداران روش انقلاب سبز این به کاربرتن علم و تکنولوژی برای کشاورزی جهان سوم است که قطعیت دارد. اما، برای مستقدين، کاربرد تکنولوژی غالباً نامناسب و عمدتاً غریبی برای کشاورزی جهان سوم بیشتر مسئله آفرین بوده است تا حل‌حلال مشکلات.

کلاً بزرگ بودند و ناحیه مربوطه طی دهه ۱۹۵۰ اصلاحات ارضی را در ناحیه وسیعی تجربه کرده بود. (نگاره (۴)) به این ترتیب ۸۰ درصد مالکینها بیش از ۴ هکتار بودند، در مقایسه با ۴۲ درصد در کل پنجاب، درحالی که حدود ۴۶ درصد زارعان مقداری زمین کرایه کرده بودند، فقط ۴ درصد مستأجران خالص بودند. درصد زمین آبیاری شده همچنین یکی از بالاترین ارقام در مملکت بود. همچنین، از دیگر جهات، ناحیه مربوطه دور از مرحله‌ای بود که بتواند نماینده هندوستان روستایی باشد. نرخ باسوادی ۳۳۶ درصد بود، در مقایسه با ۲۸ درصد برای کل هندوستان. ۳۵ درصد نیروی کارگر در صنعت روستایی استخدام شد که این یکی از عالی‌ترین رویدادهای مملکتی بود. در حقیقت، جذب کارگر در صنعت چنان بود که آمار سال ۱۹۶۱ کمبود کلی کارگر کشاورزی را در لدیانا گزارش داد.

نگاره (۴): اندازه مزرعه در لدیانا

ناحیه(هکتار)	درصدمزارع	درصدناحیه زیرکشت
کمتر از ۲	۴	۱
۲-۴	۱۶	۹
۴-۸	۴۳	۳۵
بیش از ۸	۳۷	۵۵

منبع: (Frankel(1971))

نگاره (۳): تحول کشاورزی در لدیانا

۱۹۶۰-۶۱	۱۹۶۸-۶۹
۴۵	۷۰
۱۹/۷	۲۷۱/۳
۶۸/۸	۱۶۹,۹۷۱/۷۵
۱,۵۵۲/۳	۳,۶۷۶/۳
در دسترس نیست	۲۵۰۰-۵۰۰۰

* ۹۰ درصد ناحیه گندم

منبع: (Frankel(1971))

حتی با در نظر گرفتن طبیعت استثنایی ناحیه لدیانا، تحولاتی که طی دهه ۱۹۶۰ صورت گرفت فوق‌العاده بود. ولی، تعداد محدود دیگر نواحی در هندوستان یا در کل جهان سوم که توسعه‌های مشابه را تجربه می‌کنند موجب گردید که ناظران قابلیت کاربرد کلی مدل مربوطه را زیر سؤال ببرند. افزون بر این، درک این نکته حائز اهمیت است که منافع انقلاب سبز در لدیانا به هیچوجه به طور یکنواخت توزیع نشده بود. در اوایل دهه ۱۹۷۰ مطالعات حاکی از این بود که درحالی که ۸۰ درصد مزارع بیش از ۴ هکتار عموماً وضع بهتری داشتند مزارع کمتر از ۴ هکتار غالباً وضع بدتری داشتند. همچنانکه (HYV) طی اواخر دهه ۱۹۶۰ منتشر شد، بازدهی متوسط از ۴۴۰۰ کیلوگرم در هکتار در سال ۶۷-۱۹۶۶ به ۳۳۶۰ در سال ۶۹-۱۳۶۸ نزول کرد، که این امر تعداد در حال افزایش مزارع کوچک که انواع جدید مربوطه را کشت می‌کنند منعکس کرد. لدیانا، "قطعه نمایشی" (۱۸) انقلاب سبز طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، قابلیت کاربرد محدود تکنولوژی جدید را ظاهر ساخت.

(HYV) و اندازه مزرعه

مشاهدات بعضی از اولیای امور درباره شکست زارعان کوچک در برخورداری از انقلاب سبز بحثهای زیادی را برانگیخته است. چنین زارعی غالباً تحت عنوان "مقاوم در مقابل تحول کشاورزی" (۱۹) یا "مستعد پذیرفتن بسته‌های (HYV) به طور پاره‌ای و نامطلوب" (۲۰) توصیف می‌شوند. برخی دیگر بحث کرده‌اند که این زارعان نیستند که مقصودند بلکه تقصیر از خود تکنولوژی جدید است. این موضوع موجب بالاگرفتن بحث

استراتژی انقلاب سبز

نکته حائز اهمیت این است که تولیدکنندگان و زارعان کوچک مقیاس تقریباً به طور کامل از منافع انقلاب سبز برخوردار نبوده‌اند. برعکس، این عمدتاً تولیدکنندگان بزرگ بوده‌اند که از مزایای انقلاب سبز به حداکثری برخوردار شده‌اند. چنانکه این موضوع در کشورهایی مانند هندوستان، مکزیک، فیلیپین و نظایر آن مصداق داشته است. پنجاب ناحیه‌ای است که بیش از همه با برخورداری از منافع انقلاب سبز شناسایی می‌شود. طی دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ تحول کشاورزی در بسیاری از قسمتهای این ایالت هم سریع و هم جالب توجه بود. (نگاره (۳)). علاوه بر این، چندین هزار جبهه لوله‌گذاری شده (۱۶) و تعداد زیادی ماشینهای کوچک مانند ماشینهای بذرآشانی و کودپاشی و خرمن‌کوبی پدیدار شد. این توسعه‌ها در اوایل دهه ۱۹۷۰ چنین به تصویر کشیده شد که به یک تغییر و تحول کشاورزی اضافه می‌شود. به نواحی مانند لدیانا (۱۷) در ایالت پنجاب به عنوان رأس یک انقلاب کشاورزی هندی و الگویی برای توسعه کشاورزی جهان سوم به طور اعم نگریده شد.

در اوایل دهه ۱۹۶۰ لدیانا کاملاً به یکی از پیشرفته‌ترین نواحی کشاورزی در هندوستان تبدیل شده بود. حتی با استانداردهای نواحی رویش گندم عموماً بسیار تجارتی نشده پنجاب، لدیانا برجسته بود. مزارع

متناوباً متوسطی درباره این شده است که آبیسته‌های (HYV) مقیاس خصوصی دارند، یعنی با بعضی اندازه‌های مزارع تناسب بیشتری دارند تا با اندازه‌های دیگر.

مزارع بزرگ کلاً دسترسی بسیار بیشتری به آبیاری مؤثر و سرمایه لازم برای بهبود زمین و کنترل آب دارند. در رابطه با وام، کشاورزان بزرگتر به عنوان کسانی که شایستگی بیشتری برای دریافت اعتبار دارند به رسمیت شناخته شده‌اند، در بعضی موارد مقدار وام‌های سازمانی بستگی به اندازه مالکیت داشته است. برای مثال، در پنجاب، گسترش آبیاری به وسیله توسعه جاهای لوله‌گذاری شده به ندرت برای مزارع کوچک امکان پذیر است. کاهش شرایط مالکیت زمین (از شش هکتار به دو هکتار) برای وام‌های چاه لوله‌گذاری شده طی اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ کار کمی برای افزایش دادن نرخ برداشت برای مزارع زیرشش هکتار انجام داد. برای قسمت اعظم ایالت مربوطه، مزارع زیر هشت تا ده هکتار به عنوان "زیرحد مطلوب"^(۲۱) در نظر گرفته شده‌اند. در اوایل دهه ۱۹۷۰ این امر به طور مؤثری ۲۰ درصد مزارعی را که در حال توسعه آبیاری مؤثرتری بود مستثنی کرد.

مشابهاً، توسعه کشت گندم (HYV) آبیاری شده در شمال غرب مکزیک با افزایش بسیار سریع در اندازه متوسط مالکیت‌ها همراه بود زیرا مالکان بزرگتر یا املاک کوچکتر را خریدند، یا زمینشان را کرایه دادند. در ناحیه ساحلی هر مسیلو^(۲۲) در سال ۱۹۵۶ اندازه متوسط مزرعه ۱۰۷ هکتار بود. با گسترش سریع آبیاری به هزینه دولت در بیابان مکزیک اندازه متوسط مالکیت به ۳۲ هکتار در سال ۱۹۷۱ افزایش یافت. در نواحی شمال غربی هندوستان و شمال شرقی پاکستان قیمت‌های زمین در دهکده‌هایی که محصولات (HYV) را پذیرفتند سریعاً بالا رفت و اندازه متوسط مالکیت‌ها کلاً افزایش یافت. ضمن اینکه تمرکز مالکیت زمین در مقایسه با مورد مکزیک خفیف است، بیشتر مطالعات مؤید این مطلب است که در نواحی که (HYV) برقرار شده‌اند، اندازه متوسط مزارع و تعداد کارگران بدون زمین افزایش یافته‌اند. اگرچه این فرایند "دوقطبی شدن"^(۲۳) بسیار آهسته‌تر از آن بوده است که بسیاری ناظران انتظار داشتند. همچنین باید به خاطر داشت که جمعیت روستایی هندوستان قبل از انقلاب سبز دور از تجانس بود. وجه تمایز جمعیت کشاورزی از لحاظ دسترسی به زمین در بسیاری از نواحی قابل ملاحظه بود. انقلاب سبز کلاً فرایند مربوطه را تسریع کرد. معرفی تکنولوژی انقلاب سبز جامعه روستایی را غالباً به طور جدی از هم گسیخته است. مهاجرت به نواحی شهری افزایش یافته و فشار و تعدی در بسیاری از نواحی، به ویژه در قسمتهای از جاوا، پنجاب، و نیجریه نمایان شده است.

توسعه روستایی در کشورهای "سوسیالیست" جهان سوم

گروه بزرگ و بسیار متفاوتی از کشورهای جهان سوم را می‌توان برای به نمایش گذاردن شکلی از "سوسیالیسم" در نظر گرفت. اگر چه در اینجا جای بحث درباره اقتصادها و جوامع بسیار مختلف این کشورها نیست، به نظر می‌رسد که آنها در توسعه روستایی موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. هرچند پاره‌ای

کشتهای جدی را نیز تجربه کرده‌اند. دولتهای "سوسیالیست" افریقای زیر صحرایی برای کاستی‌های بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی خود شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. این امر به ویژه در مورد برنامه‌های تجدید اسکان و دهکده‌های کردن^(۲۴) اتیوپی مصداق دارد. اگرچه، شکست برنامه‌های توسعه روستایی منحصر به دولتهای سوسیالیست نیست و یکی از فلاکت‌بارترین وضعیت‌های روستایی در قاره افریقا در زیر طرفدار غرب سابق (کشور کنگوی امروز) ملاحظه شده است. چین به ویژه در مرکز توجه بوده است، جایی که روشهای بسیار مختلفی برای توسعه روستایی در معرض آزمایش قرار گرفته است. (نگاره ۵) هرچند که در برنامه‌های چین شکست‌ها و کاستی‌هایی وجود داشته است، دشوار است بتوان موفقیت‌های واقعی آن را انکار کرد. شهر چین روستایی در دهه ۱۹۳۰ وضعیت را نشان داد که با جمعیتی کمتر از ۵۰۰ میلیون، تقریباً هر سال قحطی، به جایی از این مملکت حمله ور می‌شد. در حال حاضر، در دهه ۱۹۸۰، با دو برابر این جمعیت، کمبودهای غذایی عمدتاً برطرف شده است. از سال ۱۹۹۳ چین برنامه ریشه کنی فقر را اجرا کرده است و تا به حال ۶۰ میلیون نفر از شهرنندانی را که در زیر خط فقر زندگی می‌کرده‌اند به بالاتر از خط فقر رسانده است و هنوز ۲۰ میلیون نفر دیگر در زیر خط فقر زندگی می‌کنند که ناه سال دیگر فقر باید ریشه کن شود.

همه دولتهای سوسیالیست مسائل عمده تأسیس و ابقاء و اداریک دنیای عمدتاً کاپیتالیست و غالباً متخاصم تجربه کرده‌اند. بسیاری از معالکی که اکنون فقیرند به واسطه منازعات طولانی شدیداً تضعیف شده‌اند، مداخله امریکادرنیکاراگوئه به تنهایی جدیدترین نمونه فرایندی است که به منتهای درجه خود در جنگ و پستام ملاحظه شده است. در نتیجه، منابع کمیاب ناگزیر به امر دفاع اختصاص یافته است. (در ویتنام بیش از ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۸۵ به امر دفاع اختصاص یافت) که به این ترتیب وجوه موجود توسعه اقتصادی و اجتماعی را محدود می‌کند.

کشورهای سوسیالیست جهان سوم بنا بر ضرورت کوشش کرده‌اند تا خود را از قید اقتصاد کاپیتالیست جهانی برهانند، درحالی که دولتها و تجارت کاپیتالیست فشار فوق‌العاده‌ای را بر آنها اعمال کرده‌اند تا مجدداً آنها را به زیر بار این قید در آورند. به طور کلی آنها مجبور بوده‌اند برای پیشبرد امر توسعه شدیداً به منابع محدود داخلی متکی باشند. این امر به روشن‌ترین وجه در مورد برمه (میانمار) نشان داده شده، جایی که از یک سیاست انزوای واقعی تبعیت شده است. اگرچه نهایتاً (تقریباً در تمام موارد) نوعی سازش با کاپیتالیسم بین‌المللی انجام گرفته است، که جدیدترین و جالب‌ترین نمونه آن در چین ملاحظه می‌شود، جایی که "تعهد مجدد"^(۲۵) در قبال کاپیتالیسم بین‌المللی با تغییرات اساسی در سیاستهای توسعه همراه بوده است. نیاز، در اولین کلمات دنگ^(۲۶) به "برقراری مجدد اسامی خوب قیمت‌ها و عواید"^(۲۷) در نواحی روستایی با لغو سیستم اشتراکی^(۲۸) دنبال شده است.

زمین در حال حاضر (۱۹۹۸) به صورت "مزارع خانوادگی"^(۲۹) با قرارداد‌های اجاره پانزده ساله کشت می‌شود. تحولات اخیر در چین یک مشکل اصلی توسعه جهان سوم سوسیالیستی را نشان می‌دهد. این ممالک، مانند کل جهان سوم، عمدتاً روستایی باقی می‌مانند، و دارای یک بخش



نگاره (۵): راه‌های پیشبرد توسعه روستایی در چین

تعلیم و تربیت	اصلاحات ارضی	اصول اشتراکی ^۱	تجدید سازمان ساختاری	برابری روستایی	تجدید ^۲
● علی‌که برای توسعه نیافتگی روستایی تشخیص داده شده است					
بی‌سوادی؛ کمبود منابع تولید	تمرکز زمین	ظهور مجدد و جاودانه کردن روابط بهره‌کنشی	عدم استفاده کافی از منابع	باروری بهبود یافته در تولید کشاورزی، فقدان کوشش متمرکز در تولید حیوانات، تجمع وجوه عمومی غیر کافی برای سرمایه‌گذاری	فقدان انگیزه برای افزایش دادن تولید، برنامه ریزی محکم غیر قابل انعطاف، غفلت از نیازهای کشتکاران رعیت
● استراتژی‌ها					
تعلیم و تربیت توده‌سواد پایه؛ تکنولوژی کشاورزی؛ گسترش اعتبارات، تعاونی‌ها	توزیع مجدد زمین؛ برقراری اصول رعیت مالکی زمین	تغییر ساختاری از طریق اصول اشتراکی سیستم تولید جمعی	تحرك منابع از طریق مداخله تشکیلاتی؛ غلبه بر موانع پیشرفت از طریق تحرک کارگر، صنعتی کردن از طریق توسعه کشاورزی؛ انگیزه‌های اخلاقی ایدئولوژیکی	برنامه‌ریزی محکم مرکزی در تولید کشاورزی؛ انگیزه‌های اخلاقی ایدئولوژیکی بزرگ‌تر تولید حیوانات به عنوان حلقه زنجیر کلیدی؛ کوشش متمرکز در توسعه دادن بخش تولید جمعی عمومی؛ محدودیت در تولید خصوصی و فرعی؛ غلبه بر تنگنای سرمایه‌های به وسیله گسترش واحد محاسبه اصلی (واحد تولیدی)؛ تساو بیشتر در توزیع اعتبارات کاری	«سیستم مسئولیت‌پذیری» ^۳ مسئولیت محاسبایی در مدیریت اقتصادی؛ اولویت کشاورزی؛ ابتدا صنایع سبک، آنگاه صنایع سنگین؛ خودمختاری محلی در رابطه با تولید و توزیع درآمد جمعی؛ متنوع کردن کشاورزی؛ مالیات کم کشاورزی

منبع: (Ipanđu 1983:301-32)

1) Collectivization 2) Modernization 3) Responsibility System

ولی این تقارب واقعی در خطوط عملکردهای تکنیکی توسعه، جایی که بذرها، بینه و تسلط و مهارت در استفاده از منابع آب و کود نقش اول را ایفا می‌کنند، نمی‌تواند تفاوت‌های بزرگی را که این دو کشور در طرق نیل به هدف پیموده‌اند پنهان بدارد.

اگر ساختارهای ارضی و تقسیمات اجتماعی در هندوستان به ندرت تحول یافته‌اند، چین انقلاب‌های کشاورزی، سیستم کشاورزی اشتراکی (۳۱) و انحلال سیستم کشاورزی اشتراکی (۳۲) را تجربه کرده است، که این رویدادها بدون وقفه سلسله مراتب اجتماعی این کشور را واژگون و تشکیلات اقتصادی آن را از نو پی‌ریزی کرده است. اگر هندوستان در طی تاریخ جدید خود از کشمکش‌های نژادی و مذهبی برکنار نبوده است، روستاهای چینی طی حدود سه دهه متوالیاً خشونت‌های سیاسی را تجربه کرده‌اند به گونه‌ای که به سختی توانسته‌اند از این مهلکه جان سالم بدر ببرند.

اکنون، و برخلاف آنچه در دیگر کشورهای کمونیست گذشته است، دهقان چینی از بلایا و عقوبت‌های سیستم کشاورزی اشتراکی نجات یافته است. همچنین، این انرژی و توانایی را بدست آورده است که مجدداً به حالت اولیه خود بازگشته زندگی را از سر بگیرد چنانکه موفقیت‌های غذایی و پیشرفت اقتصاد روستایی در سالهای اخیر از مظاهر این تجدید قوا است. هندوستان و چین، پس از تجربه مسیرهای کاملاً متضاد، بار دیگر به زندگی دهقانی دینامیک دست یافته در تحکرات توسعه عمومی که از ویژگیهای اقتصاد قاره آسیا است شریک و سهیم هستند.

صنعتی ضعیف شهری هستند. درحالی که بعضی از یک استراتژی طرفدار روستایی فعالی تبعیت کرده‌اند، جاذبه‌های توسعه صنعتی شهری کلاً موجب این شده است که چنین سیاست‌هایی کوتاه مدت باشند.

برحسب سنجش موقعیت توسعه روستایی سوسیالیستی این نکته درخور توجه است که بسیاری از ممالک بایک رکود رشد اقتصادی فقیر، چنانکه به وسیله تولید ناخالص داخلی سرانه (۳۰) سنجش می‌شود، در شاخصهای اجتماعی وضعیت به مراتب بهتری داشته‌اند، مثلاً در نرخهای مرگ و میر و انتظار عمر، این امر یقیناً در تانزانیا و حتی به مقدار بیشتری در برمه مصداق دارد و تا اندازه‌ای، اولویت‌های مختلف را منعکس می‌کند.

توسعه روستایی در چین

چین و هندوستان دو کشور شبه قاره‌ای و دو کانون عمده جمعیتی در آسیا شرایط قابل قیاسی دارند. وجه مشترک چین و هندوستان در این است که هر دو توده عظیمی از دهقانان را در خود جای می‌دهند که برطرف کردن نیازمندیهای غذایی آنها همواره یک هدف اساسی بوده است. به نظر می‌رسد که این دو کشور هر دو، علی‌رغم یک افزایش جمعیتی بی‌سابقه، در راه رسیدن به این هدف موفق بوده‌اند. در حقیقت، در طی ۵۰ سال گذشته، این دو کشور شبه قاره‌ای پیشرفتی موازی در کشاورزی خود داشته‌اند، و توفیقات انقلاب سبز به آنها اجازه داده تا قحطی‌های سالیانه را پشت سر گذاشته و درهای توسعه را به روی روستاهای خود بکشایند.

مشاهده کردند که آخرین فضاهای آزادی اقتصادی آنها در حال زوال است. در پاییز ۱۹۵۳، دولت انحصار خود را بر تجارت حیوانات برقرار کرد، و سپس این انحصار را به پنبه و دانه‌های روغنی (با ترخیص‌های اجباری با قیمت‌های نظارت شده) گسترش داد. دهقانان مرفه که از خروج مستقل محصولات خود محروم بودند انتخاب دیگری نداشتند مگر پیوستن به تعاونی‌ها همین که آنها عمومیت می‌یافتند. به علاوه این تعاونی‌ها که از اعتبارات برتر و اولویت‌دار برای ابزار و وسایل مربوطه برخوردار بودند حداقل برای اولین اعضایی که به آنها می‌پیوستند می‌توانستند به قدر کافی جاذب جلوه کنند.

انحلال سیستم کشاورزی اشتراکی

همزیستی بین اقتصاد دهقانی و کارجمعی^(۳۴) می‌رفت تا در درازمدت حفظ این سیستم را بیش از پیش با مشکل مواجه نماید. رقابت در شرایط کاری، مرمت زمین از طریق کود، بین این دو بخش از اقتصاد کشاورزی سخت و مخاطره‌آمیز بود. به علاوه، فقدان انگیزه که حاصل عدم کفایت سیستم‌های پرداخت دستمزد به روش کار دهقان بود موجب عدم کارایی‌ها و هز و هدر دادن‌های درحال افزایش می‌شد. تحمل این شرایط به مراتب دشوارتر می‌شد زیرا که در این فاصله زمانی انقلاب سبز رخ داده بود که هزینه‌های تولید را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده و مستلزم اداره قدرتمندتر کلکتیوها بود. اصلاح طلبانی که، با دنگ چیانو پینگ^(۳۷) در دسامبر ۱۹۷۸ به قدرت می‌رسند، سوار بر اسب جنگی خود شده سیستم‌های پرداخت دستمزد به دسته‌های دهقانی را زیر سؤال می‌برند. آنها پیشنهاد می‌کنند که از این به بعد پرداخت دستمزد به تولیدبستگی پیدا کند، چیزی که مسلماً انجام پذیر نبود مگر با جدا کردن تولید هر یک، و بنابراین مستلزم تقسیم کردن دسته‌های مربوطه بود. بنابراین تعداد معینی "سیستم‌های مسئولیتی" پیشنهاد شدند که هر یک متضمن یک تقسیم کم و بیش توأم با فشار در کلکتیوهای کاری بود. در "قراردادهای تولید با گروه‌ها" دسته مربوطه به گروه‌های کوچک کاری (پنج تا شش خانواده) تقسیم می‌شدند، که مسئول قطعات زمین معینی بودند و مقدار محصول معینی از پیش به کلکتیو واگذار می‌شد، که به سر دسته‌ها پرداخت می‌گردید. انگیزه آنها از این کار این بود که بتوانند تمام اضافه محصول را برای خودشان نگه دارند. "قراردادهای تولید با خانواده‌ها" مشابهند، ولی واحد متعهد خانواده است و زمین بنابراین بین افراد خانواده تقسیم می‌شود. "مقاطع‌های بهره‌برداری به خانواده‌ها" مختص یک کلکتیویزاسیون واقعی است، زیرا سر دسته‌ها (و جیره‌ها) حذف شده‌اند، خانواده به طور کامل مسئول سودها و زیان‌های خود شده است، محصولات خود را فروخته و هزینه‌های داخلی خود را پرداخت می‌کند.

قابل توجه‌ترین واقعت این اصلاحات که از سال ۱۹۷۹ در شرف انجام بوده این است که انسان به یک شکل حد وسط دکلکتیویزاسیون متوقف نمی‌شود. سیستم‌های مختلف مشروح در فوق بیشتر مراحل سیاسی بودند که اجازه دادند انحلال سیستم کشاورزی اشتراکی با صورت ماسک زده جلورفته و ترکیبی از مسئولیت خانوادگی و توزیع جمعی پیدا آید. در حقیقت، به محض اینکه مراجع قدرت محلی تسلیم اصلاحاتی شدند که

اما در مورد چین، این سؤال مطرح می‌شود که پایه و اساس این دینامیزم نواحی روستایی چیست؟ تر ما این است که این حیات و طراوت ریشه در یک "اقتصاد دهقانی"^(۳۳) دارد، این اقتصاد که شایانو^(۳۲) در روسیه ابتدای قرن بیستم تشریح کرده بود و برخلاف نظر عموم، برای بهتر به تصویر کشیدن چین او در فراسوی خویش اثرات ضربات و مصیبت‌های انقلابات تحمیلی را در کالبد مدافع خود حفظ خواهد کرد.

بنابراین، این در یک قرائت مجدد از تاریخ اخیر چین روستایی است که ما دوست داریم از خواننده در اینجا دعوت کنیم تا در آن سوی مخاطرات سیاسی متوالی و متضاد، رفت و برگشت‌ها بین تحولات سیستم کشاورزی اشتراکی و لغو سیستم کشاورزی اشتراکی، تلاطم هسته دهقانی این اقتصاد را، که انحلال آن همواره ما را با تعجب و شگفتی روبرو خواهد ساخت، باز یابد.

سیستم کشاورزی اشتراکی

سیستم کشاورزی اشتراکی باید به تدریج جای خود را باز می‌کرد و مراحل مربوطه پیش بینی شده بود: دسته‌های همیاری موقتی، دسته‌های همیاری دائمی، تعاونی‌های محصولات پست‌تر، تعاونی‌های محصولات برتر... این سیستم کشاورزی در واقع به سرعت جامه عمل پوشید و مراحل مربوطه به طور جهشی انجام گرفت. در طی تابستان ۱۹۵۵ قبل از آنکه مانو تسه ذونگ^(۳۲) موج سوسیالیسم را در روستا عرضه کند، گروه‌های همیاری کمتر از یک چهارم کانون‌های دهقانی را در بر گرفتند، و تعاونی‌ها کمتر از ۱۵٪ آن را یک سال بعد، در ۱۹۵۶، ۹۶٪ دهقانان در تعاونی‌ها جا گرفتند، که ۸۸٪ در تعاونی‌های "سوسیالیست" (اراضی کلکتیو نره) شامل شدند. بنابراین در یک زمستان، اکثریت کشاورزان از مرحله کشاورزی خانوادگی که کم و بیش در ساختارهای کوچک همیاری تکمیل می‌شد، به مرحله کلکتیوهای بزرگ که تمامی سکنه یک دهکده را در بر می‌گرفت عبور کردند. به نظر می‌رسد که سیستم کشاورزی اشتراکی که بیش از ۱۰۰ میلیون خانواده‌های دهقانی را زیر پوشش قرارداد بدون خشونت قابل ملاحظه انجام گرفت. بنابراین جامعه سنتی دهقانی خود را پیشاپیش آماده می‌ساخت تا زندگی دهقانی را فقط به سوسیالیسم بسیار.

در حقیقت، خشونت به کلکتیویزاسیون مقدم گردید. در جریان اصلاحات ارضی (۱۹۵۲-۱۹۴۹)، توزیع مجدد اراضی (۴۰٪ زمینها بدین ترتیب از دستی به دست دیگر منتقل شد) با میتینگ‌های توأم با جنگ و ستیز بر علیه دهقانان ثروتمند و مالکان زمین همراه بود. قربانیان این عملیات خشونت بار به چندین میلیون نفر تخمین زده می‌شود که احتمالاً یک میلیون نفر کشته داده است. نخبه‌گان روستایی (با حداقل آنچه بعد از اولین ۵۰ سال فرسایشی از رهبری سنتی طبقه نجیب‌باقی مانده بود) سرشان از تن جدا شد و حزب کمونیست به عنوان تنها متصرف واجد شرایط باقی ماند، که خود را جانشین شبکه‌های متعدد قدرت و تعاون که سابقاً جوامع دهقانی (مجامع مرتبط با معابد، قبایل و غیره) را به هم مرتبط می‌ساخت نمود.

روستائیان که از شبکه‌های اتحاد سنتی بریده و بدست کادری‌های کمونیست به طبقاتی تحت عنوانین دهقانان ثروتمند، متوسط بالا و نظایر آن تقسیم شده بودند که به منظور تقسیم اراضی ترتیب داده شده بود به ویژه

به تحریک مرکز انجام گرفت، و این کاری بود که در پایان سال ۱۹۸۲ به اتمام رسید، همه دهقانان، که از اجارها و الزامات سیاسی که به زور کلکتیوها را حفظ کرده بود، رهانشده بودند. مقاطعه‌های بهره برداری خانوادگی را اختیار نمودند که این از انحلال قاطع دسته‌ها حکایت می‌کند.

این واقعیت دال بر بازگشت به یک شکل ثابت اقتصاد دهقانی است. از این به بعد یک همگرایی کامل بین واحد تولید و واحد مصرف از نو برقرار می‌شود، همگرایی که در اشکال حدوسط "قراردادهای تولید" ناتمام باقی می‌ماند و بخشی از توزیع جمعی را حفظ می‌کند.

بنابراین از حدود ۱۵ سال قبل، بهره‌برداریهای خانوادگی از نو پدیدار شده‌اند، که در یک سیستم مال الاجاره ملکی عمومی بدون اسم شکل گرفته‌اند. زمین‌ها به صورت مالکیت جمعی دهکنده‌ها باقی می‌مانند، که آنها را به خانواده‌های دهقانی به مدت ۱۵ یا ۳۰ سال اجاره می‌دهند، حال آنکه "میالغ ذخیره" (۳۸) برای مصارف گوناگون جمعی به کادری دهکنده‌ای پرداخت می‌شوند و تشکیل یک مال الاجاره کاری (در قبال کار انجام شده) را می‌دهند. نتیجه حاصله کفایت در حال افزایش تولیدات، تجدید تشکیلات کامل در روستاهای تجارتنی کردن فرآورده‌های کشاورزی همراه با کاهش انسحصارات دولت و معرفی مکانیزم‌های بازار، و تحرک نوین کارگر روستایی است که از مرحله تقریباً بردگی که نصیب او در کلکتیوهای کاری قدیمی بوده، رها شده است.

منابع و مأخذ

- 1 - Burr, T.N. (1981) "The World Food Situation and global prospects", Science 214:1087-95.
- 2 - Chine Rurale :La Resilience De L'Economie Paysanne, par Claude Aubert, 1998, pp.65-75. Extrait d'ouvrage: Tradition Et Modernization Des Economies Rurales: Asie-Afrique-Amerique latin Sous La direction de Claude Auroi et Jean-Luc Maurer, PUF, 1998 (1ere edition).
- 3 - Dixon, Chris (1994) Rural Development in the Third World, London and New York, Rowledge.
- 4 - Drakakis - Smith, D. (ed) (1987) This Changing World: Socialist development in the Third World, Geography 72.4:333-63
- 5 - Frankel, F.R. (1971) India's Green Revolution: Economic Growth and Political Costs, Princeton N.J. Princeton University Press.
- 6 - Griffen, K. (1974) The Political Economy of Agrarian Change, London: Macmillan.
- 7 - (1987) World Development Report, Oxford: Oxford University Press.
- 8 - (1988) World Development Report: Oxford: Oxford University Press.
- ۹ - توسعه روستایی در جهان سوم، اثر کریس دیکنسون (۱۹۹۴)، ترجمه دکتر پردخت فشارکی، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، زمستان ۱۳۷۷.

- 1) Growth
- 2) Development
- 3) Brockfield, In Development theory, 1979.
- 4) Norman long .An Introduction to the Sociology of Development. London, 1977, P.10. Rural
- 5) David Lehmann, ed, Development theory, Four Critical-Studies, 1979, pp.9-32.
- ۶) Trickle down: بر طبق این نظریه دولت می‌تواند با تقویت مالی ثروتمندان به طبقات فقیر کمک کند یعنی ثروتمندان اقتصاد را به حرکت درمی‌آورند و منافع حاصل از آن به تدریج به طبقات فقیر می‌رسد.
- 7) redistribution with growth
- 8) growth with justice
- 9) Marginal farmers
- 10) integrated rural development
- 11) Tecocratic
- 12) Green revolution
- 13) Capitalism
- 14) Socialism
- 15) High-Yielding Varieties (HYV)
- 16) Tube Wells
- 17) Ludhiana
- 18) Showpiece
- 19) resistant to agricultural change
- 20) prone to adopt HYV packages in a partial and unsatisfactory manner.
- 21) Sub-Optimal
- 22) Hermsillo
- 23) Polarization
- 24) Villagization
- 25) re-engagement
- 26) Deng
- 27) re-establish the good names of prices and profits
- 28) Commune System
- 29) Family Farms
- 30) Per capita GDP
- 31) Collectivisation
- 32) Decollectivisation
- 33) Peasant economy
- 34) Shayanov
- 35) Maozedom
- 36) Collective Work
- 37) Deng Xiaoping
- 38) retenués